

بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید در کشاورزی ایران*

بیژن باصری^۱

حسین صادقی^۲

غلامرضا خاکسار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۴/۷

چکیده

هدف مطالعه حاضر، شناسایی و تحلیل نقش تعاونی‌های تولید بر توسعه روستایی در ایران در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)، همدان، سمنان و گلستان از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. به منظور اثربخشی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در کمک به شرایط اقتصادی و اجتماعی اعضاء، شناخت اثرات اقتصادی آنها در قالب متغیرهای اقتصادی نظیر بازدهی عوامل تولید، اثر بخشی بر سطح تولید و درآمد خانوار، میزان احیای اراضی، امکان ایجاد صنایع تبدیلی، استفاده از تکنولوژی جدید در قالب ماشین آلات و همچنین شناخت آثار اجتماعی آنها از طریق ارزشیابی میزان رضایت و مشارکت اعضاء، وضعیت مهاجرت، رشد آگاهی، بهبود در رفاه اجتماعی اعضاء، تقسیم کار و تخصص گرایی و بهره مندی از دوره‌های آموزشی در شرکت‌های تعاونی تولید ضرورت دارد.

بدین منظور با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای سهمیه ای و به صورت تصادفی از بین اعضای تعاونی‌های تولید استانهای مذکور، نمونه ای به حجم ۲۱۲ تعاونی انتخاب و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی استخراج گردید.

نتایج نشان می‌دهد که تعاونی‌های تولید در کاهش میزان مهاجرت، افزایش مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، جذب نیروی کار خارج از خانوار و تغییر نگرش از نگاه سنتی به کشاورزی به نگاه تجاری در بین اعضاء و افزایش خودآگاهی اجتماعی، نقش مؤثری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تعاونی‌های تولید، مهاجرت، رضایت شغلی، مشارکت در تولید

J54, J61, B25, D73 :JEL

* از خانم فلوریا محمدی دانشجوی دکترای توسعه کشاورزی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به خاطر اظهار نظرهای سازنده شان تشکر می‌شود

bbaseri@gmail.com

sadeghah@modares.ac.ir

khaksar@modares.ac.ir

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری واحد تهران مرکز

۲. استادیار علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

۳. کارشناس ارشد اقتصاد

۱. مقدمه

امروزه توجه ویژه به امنیت غذایی و وابستگی بخش مهمی از جمیعت به تولیدات کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن، ضرورت توجه به نهادهای مرتبط با نظام های بهره برداری و تولیدات روستایی را بیش از پیش ضروری ساخته است. توسعه روستایی از یک سو، در بهبود بخشیدن به تغییر ساختار سنتی تولید و از سویی دیگر، به منظور نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی و ارتقای سطح زندگی آنان، دارای اهمیت وافری است. یکی از مهمترین مولفه های توسعه روستایی، بهبود کارآیی در فعالیت های کشاورزی است. نرخ بالای وابستگی درآمدی روستاییان به فعالیت های کشاورزی و تولیدات جانبی آن، توجه به توسعه کشاورزی را به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر بر توسعه روستایی در کشور ضروری ساخته است.

کوچکی واحدهای دهقانی، پراکندگی اراضی زراعی، عدم صرفه اقتصادی، سطح بالای ریسک تولید، مخاطرات مربوط به خرد شدن مستمر اراضی، وجود کاستی های قانونی و مشکلات فرهنگی در یکپارچه سازی اراضی، از مهمترین موانع موجود توسعه کشاورزی در ایران است. نتایج حاصل از این وضعیت، موجب اتلاف منابع ارزشمند، استفاده نامناسب از مکانیزاسیون و فناوریهای نوین، کاهش درآمد کشاورزان، تشدید مهاجرت، عدم توازن میان رشد فعالیت های بخش کشاورزی و نیازهای غذایی جمیعت و نهایتاً حضور ضعیف بخش کشاورزی در بازار های بین المللی می شود. تعاونی ها به عنوان نهادهایی برخاسته از متن اجتماعی جامعه، نقش انکارناپذیری در توسعه اقتصادی روستایی داشته و منبع مشارکت و تحرك بخشی نیروی انسانی در نیل به توسعه درونزا و پیشبرد فعالیت اقتصادی و اجتماعی بوده اند. در گذشته، انتظار از تعاونی ها در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً معطوف به خواست دولتمردان و هدف از ایجاد تعاونی ها به شکلی دستوری و برونزا بوده است. در ایران تعاونی ها به این شکل رشد و توکین یافته اند.

با توجه به اینکه تعاونی تولید اثرات مهمی را از جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اعضاء و مناطق تحت نفوذ خود بر جا می گذارند، این نهادها می توانند با تأثیر در امکانات کشاورزان توان تولید آنها را افزایش داده به گونه ای که بتوانند با بازدهی بیشتر و هزینه کمتر محصولات خود را تولید و با قیمتی مطلوب تر، آنها را به فروش برسانند.

تعاونی به عنوان نوعی نظام بهره برداری، از جایگاه ویژه ای در اقتصاد کشاورزی کشورهای آسیایی و اروپایی برخوردار بوده اند. وجود اطلاعات ناقص، ناهمگون بودن بازارها، ضعف در زیرساخت های اقتصادی و ارتباطی، چالش در نظامهای قانونی، ناسازگاری میان نظامهای مرسوم بهره برداری و قانونی حق مالکیت، شیوه های نامناسب و ناکارآمد را در فعالیت های کشاورزی این کشورها شکل داده است. این اعتقاد وجود دارد که تعاونی های تولید روستایی به عنوان شکل جدید

سازماندهی تولید و با توجه به اصلاح درونی ساختار، می‌توانند زمینه مشارکت را بر اساس بازارهای کارآمد و استفاده موثر از نهادهای تولید تأمین نمایند (Arnott, Stiglitz 1988).

الگوی صحیح زمین‌داری و کشت، سیستم مناسب آبرسانی، کمک به تأمین اعتبار، اصلاح در الگوهای کشت و یکپارچه سازی اراضی و رسیدن به بهبود پارتویی، از نتایج شکل‌گیری این نهاد است. تأثیر این نهادها بر تخصیص و توزیع منابع و چگونگی کارکرد آنها،تابع حقوق مالکیت، نظامهای اجاره‌داری زمین، تعهدات متقابل بین افراد و سایر نظامهای مبادلاتی است که به شکل قراردادهای ضمنی یا هنجارهای اجتماعی تعیین می‌شود (Coase, 1960).

هدف مقاله حاضر، ارزیابی ویژگی‌های اعضای تعاقنی‌های تولید و بهره برداران غیر عضو از نظر مهاجرت، رضایت شغلی و مشارکت در تولید در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوبی)، همدان، سمنان و گلستان می‌باشد. نقش تعاقنی‌ها بر آهنگ مهاجرت در اقتصاد روستایی، رضایت از فعالیت و شغل کشاورزی در تعاقنی‌های تولیدی در مقایسه با بهره برداران غیر عضو، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، تأثیر بر سطح زندگی اعضاء، انجام کار برای دیگران و رونق بخشیدن به تحرک در بازار کار، استفاده از نیروی کار دیگران (خارج از خانوار) در مقایسه با بهره برداران غیر عضو و تغییر نگاه به فعالیت کشاورزی - از فعالیت‌های سنتی به مدرن - از محورهای مهم این مطالعه می‌باشد که در قالب شاخص‌های آماری، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

۲. وضعیت موجود تعاقنی‌های تولید روستایی در ایران

سابقه فعالیت تعاقنی‌ها و همیاری‌های سنتی در ایران طولانی است. اما تشکیل شرکتهای تعاقنی مدرن در سال ۱۳۰۳ با تصویب قانون تجارت شکل گرفته است. از نظر روند تاریخی، ابتدا تعاقنی‌های مصرف و به شکل تعاقنی‌های مصرف کارکنان اداری تشکیل شده است. زمینه و ریشه تشکیل تعاقنی‌های تولید را باید در اصلاحات ارضی جستجو نمود. خردشدن اراضی زراعی و پراکندگی در تولید محصولات از نتایج اصلاحات ارضی است که رهاسازی بهره برداری‌ها، کاهش سرمایه‌گذاری و از هم گسیختگی مدیریت تولید منجر به افت شدید محصولات کشاورزی گردید. از هم گسیختگی نهادهای جمعی تولید و عدم جایگزینی نهادهای منابع مناسب موجب اتلاف منابع در دسترس و کاهش سطح درآمد بهره برداران شد.

ایجاد چنین مشکلاتی موجب شد تا در فضای سیاسی آن دوران اقداماتی اساسی در جهت تمرکز مدیریت بهره برداری‌ها با مشارکت و نظارت دولت امکان پذیر شود. تحولات جامعه روستایی نیز در شکل گیری شیوه‌های نوین سازماندهی تولیدی و روابط حاکم بر آن تأثیر داشت. در این راستا،

دولت تلاش نمود تا با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی تولید و کشت و صنعت ها بر مشکلات قطعات کوچک زمین ها و کمبود منابع مالی و سرمایه ای فائق آید.

براین اساس، قانون تعاونی تولید و یکپارچه سازی اراضی در حوزه عمل شرکتهای تعاونی تولید روستایی در سال ۱۳۴۹ تصویب شد که اهداف آن یکپارچه سازی اراضی مزروعی کشاورزی، افزایش کارآیی در استفاده از منابع محدود و پایهای تولید، احیای اراضی بایر، گسترش صنایع تبدیلی در فعالیت‌های مربوط به دام، زراعت و گسترش سایر فعالیت‌های سودمند غیر کشاورزی، افزایش درآمد سرانه ساکنان روستاهای و مشارکت در رشد مداوم اقتصادی بود. اگر چه در دوره انقلاب و جنگ، تعاونی ها با چالش‌هایی مواجه بوده که سایر بخش‌های اقتصادی نیز از آن متاثر شده اند اما در دوره بعد از جنگ و از سال ۱۳۶۸ تحرک جدیدی در ایجاد و توسعه تعاونی های تولید به وجود آمد و در سالهای ۱۳۷۴-۷۵ این روند تشدید شد.

در حال حاضر حدود ۹۷۰ تعاونی تولید در سطح کشور مشغول فعالیت اند و بسیاری از آنها به شکل خودگردان اداره می‌شوند.

برخی مطالعات در ایران نشان می‌دهد که شیوه‌های جدید و سازماندهی تولید، آثار و پیامدهای مثبتی بر افزایش تولید، تقسیم کار، افزایش آگاهی اعضاء نسبت به سایر بهره‌برداری‌ها داشته است. همچنین با توجه به ضرورت توسعه روستایی و الزامات مربوط به آن و با توجه به فضای جدید اقتصاد جهانی، اصلاح ساخت مزارع، سیاست‌های حمایتی و هدفهای توسعه هماهنگ، تعاونی های تولید به عنوان نقش آفرینان توسعه روستایی، بیش از پیش مطرح گردیده اند.

بر این اساس، تعاونی ها مؤسسه‌های مستقلی از اشخاص هستند که به لحاظ اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. اعضای آنها دارای روحیه‌ای مبتنی بر فدایکاری بوده و نظرارت آنها از طریق رای دادن اعضاء صورت می‌گیرد. برخورداری از استقلال، ارتباط اعضاء با تعاونی، عضویت اختیاری، داشتن نیازهای اقتصادی و اجتماعی مشترک، مالکیت گروهی، نظرارت دموکراسی از اصول حاکم بر تعاونی هستند (Taimni, 2001). این تعریف پذیرفته شده قرن ۲۱ در مورد تعاونی هاست که، هم ارزش‌های تعاونی و هم، جهت و اصول تعاونی ها در آن نهفته است. تعاونی ها باید بر مبنای این اصول، حرکت آینده، توسعه فعالیت و سازمان های خود را تنظیم نمایند. این تعریف انعطاف پذیر بوده و انواع مختلف تعاونی ها را با هر درجه و شدتی شامل می‌شود. علاوه بر آن، کیفیت ارایه خدمات تعاونی ها را مشخص می‌کند و ارزش‌های اعضای تعاونی را که در کنفرانس ۱۹۹۵ منجسته مورد تأکید قرار گرفت، نشان می‌دهد (ICAL, 1995).

بر اساس آخرین آمار از دفتر امور شرکتهای تعاونی تولید و خرد و دهقانی، تعداد کل شرکتهای تعاونی تولید روستایی در کشور در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۰۱۸ شرکت می‌باشد که در

میان استانهای منتخب، استان فارس با داشتن ۱۶۶ شرکت تعاونی تولید روستایی، بیشترین تعداد و استان سمنان باداشتن ۱۳ شرکت، کمترین تعداد را دارا می‌باشد. (جدول ۱). به طور کلی شرکت‌های تعاونی تولید در ۴۸۷۹ روزتا حدود ۳/۱ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را تحت پوشش دارند. متوسط اراضی کشاورزی تحت پوشش هر تعاونی تولیدی ۳۰۵۹ هکتار می‌باشد. از کل اراضی کشاورزی تحت پوشش تعاونی‌های تولید، ۱/۷ میلیون هکتار را اراضی آبی، یک میلیون هکتار را اراضی دیم و ۰/۴ میلیون هکتار را باغات تشکیل می‌دهند.

تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در کل کشور ۲/۷ میلیون نفر می‌باشد که استان فارس با ۴۸۲۵۵ عضو و سهم ۱۷/۷ درصدی از کل تعداد اعضاء، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در استان سمنان تنها ۳۳۹۶ نفر عضو تعاونی تولید می‌باشند که سهم آن از کل اعضای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی ۰/۹ درصد می‌باشد. به طور متوسط هر تعاونی تولید روستایی در سطح کشور ۲۶۸ نفر عضو دارد. متوسط اعضاء هر تعاونی تولید روستایی در استان همدان ۳۳۶ نفر و در استان خراسان شمالی ۳۰۵ نفر می‌باشد که بیشتر از متوسط کشور می‌باشد.

۳. سابقه تحقیق

تعاونی‌های تولید از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی در کمک به فرایند تولید نقش سازنده‌ای ایفا می‌کنند. در این زمینه مطالعات مختلف گویای نقش مثبت تعاونی‌های تولید در توسعه روستایی می‌باشند. برای نمونه، سن (Sen, 1998) هدف تعاونی‌های تولید را حداکثر نمودن تولید سرانه اعضاء بر اساس مطلوبیت درآمد و ساعات کار فرد بیان نموده است. در حالی که الینا (۲۰۰۳)، بر نقش تعاونی‌های تولید در شکل گیری توسعه روستایی تأکید دارد، کوز (Coase, 1960) نقش نهادهای روستایی را در قالب ساختارهای نوین و افزایش سطح مشارکت در بازارهای داخلی و خارجی مورد تأکید قرار می‌دهد. در این راستا، روخات (Rokholt, 1999) و اولیلا (Ollila, 1994)) ارتباط متقابل بین اعضاء و تبادل اطلاعات را از مزایای تعاونی‌های تولید می‌دانند؛ اما آکسلورد (Axolord, 1984) نقش تعاونی‌های تولید را در افزایش مهارت‌های مدیریتی در سازمان، تربیت مدیران و بهبود مهارت‌های مالی عنوان می‌کند. تایمنی (Taimini, 2000) در بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید در آسیا، تمرکز زدایی در تصمیم گیری را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی تعاونی‌های تولید می‌داند. در حالی که یونک کن (Yun kun, 1987) مشارکت متقابل بین اعضاء را از مزایای تعاونی‌های تولید در ژاپن می‌داند. کرانزل نیز به شکلی

تفصیلی تر (kraenzel, 1989) افزایش مشارکت اعضاء در تعاونی های تولید را منوط به سن، سطح آموزش، عضویت، میزان درآمد و سطح زیر کشت اراضی اعضاء می داند.

برخی مطالعات خارجی، چالش های تعاونی های تولید را مطرح نموده اند. برای نمونه، دومار (۱۹۶۶) در ارزیابی تعاونی های تولید^۱ مهمترین چالش آنان را سهمیه بندی تولید، مداخله دولت در مدیریت اجرایی، کمبود نهاده ها (کودشیمیابی، لوازم یدکی و مواد اولیه) و قیمت کنترل شده تولید می داند. بوگدانوفسکی (۲۰۰۳)^۲ در بررسی تعاونی های تولید در روسیه با بررسی تغییرات سریع در تعاونی های کشاورزی بر مبنای سطح اشتغال، تولید دریافت که سطح سرمایه انسانی این تعاونی ها در خلال دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ به صورت قابل توجهی کاهش یافته است. کاهش سطح اشتغال مدیران تحصیل کرده از ۸۶ درصد به ۶۹ درصد در فاصله ۱۹۹۱ تا سالهای ۲۰۰۲ و عدم تمایل افراد جوان به جذب مشاغل مدیریتی در تعاونی های تولید از دیگر پیامدهای تعاونی های تولید بوده است؛ چون این تعاونی ها شرایط مطلوب تولید را به سمت اضمحلال پیش بردند. گوش (۲۰۰۳)^۳) تعاونی های تولید در هند را با توجه به جهانی شدن اقتصاد و محدودیت درآمد بخش کشاورزی و کاهش حمایت از کشاورزان و رقابت بیشتر در این عرصه تحلیل و بر بازاری ساختار آنها تأکید نموده است.

کمپ و کینی^۴ (2002) نظارت تعاونی بر محصولات تولیدی کشاورزی از تولید تا توزیع در آمریکا را بررسی و برنامه تعاونی های تولید در نظارت بر قیمت، هزینه نهاده های تولید و استفاده کارآمدتر از زمین را تحلیل و برگفتگوی تعاونی ها در زمینه تدوین برنامه های کالایی در سیاست های جدید کشاورزی مرکز نموده اند. یومن ۵ (۲۰۰۰) برابری و کارآبی را در کشاورزی های مبتنی بر قرارداد در انگلستان مطالعه نموده معتقد است قراردادها می توانند در زمینه تعیین مقدار تولید، زمان تولید، عرضه محصول، تهیه منابع تولید، کیفیت توزیع محصولات از طریق تأمین اعتبارات و یا مدیریت تولید که فرایند به کارگیری عامل کار و تولید را تنظیم می کنند، نقش داشته باشد. وی تعاونی ها را شکلی از تولید می دارد که در آن تولیدکنندگان، سرمایه گذاری مشترک با بخش خصوصی انجام می دهند. این شیوه تولید، منجر به استفاده از فناوری های جدید در میان زارعان خرد پا می گردد. علاوه بر این، هزینه معاملاتی در شرکتهای بزرگ تعاونی

-
1. Vanek Jaroslav,1969, Decentralization under worker management,American Economic Review, LIX (5)
 2. Bogdanovski
 3. Ghosh
 4. Keeney & Kemp
 5. Baumann

تولید کمتر است. از این زاویه، دفاع از خرده کشاورزان و جمع آوری آنها تحت یک سازمان اگرچه هزینه زاست اما منافع قابل توجهی برای آنها دارد.

شواهد مختلف در مورد کارکرد تعاضی های تولید بویژه در آسیا نشان می‌دهد که امروزه تعاضی‌ها به عنوان بنگاه‌های خصوصی نمی‌توانند به عنوان ابزاری در راستای سیاست‌های دولتی به کار گرفته شوند. بلکه تعاضی‌ها نهادهای مستقلی هستند که به دنبال ایجاد شرایط مطلوب و مولد برای سازماندهی تولید موردن بهره برداری قرار می‌گیرند. از این زاویه، در عصر حاضر بازبینی جدی در رفتار و عملکرد تعاضی‌ها، مقررات زدایی فعالیت‌های آنان، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و بهبود در کارآمدی آنها ضروری است. به عبارت دیگر، در هزاره جدید، نقش و وظایف تعاضی‌ها دگرگون شده است (Taimni, 2000).

در مطالعات داخلی، فعالیت تعاضی‌ها در ایران نیز به دو دوره قبل و بعد از اصلاحات ارضی باز می‌گردد. قبل از اصلاحات ارضی، فعالیت تعاضی‌ها محدود و منحصر به ایجاد و تقویت تعاضی‌ها مصرف بوده است. با اجرای طرح اصلاحات ارضی، سیر تشكیل این تعاضی‌ها در جهت منافع نظام حاکم به خصوص در جوامع روستایی، رشد روزافزون یافت. پس از انقلاب نیز مسئله تعاضی‌ها مطرح و در اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی جای گرفت.

در مطالعات داخلی، عبداللهی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که شرکتهای تعاضی تولید کشاورزی از نظر درگیری با مسائل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای کمترین مسئله هستند. نتایج بر حسب شدت مسائل حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر یک از نظامهای بهره‌برداری، نشان می‌دهد که در شرکتهای تعاضی تولید کشاورزی، ضعف بازاریابی، پایین بودن ظرفیت اشتغال و مسئله مالکیت، مسائل عمده بوده‌اند. در قسمت دیگر، رتبه بندی نظامهای بهره‌برداری بر حسب بالاترین رتبه، نشان داده شده که شرکتهای تعاضی تولید و بویژه شرکتهای تولید کشاورزی شامل شرکتهای سهامی زراعی، شرکتها و مزارع تجاری و شخصی، شرکتهای کشت و صنعت در بالاترین مراتب قرار می‌گیرند. بنابراین، این بخش از تحقیق مذکور نشان می‌دهد واحدهای بهره‌برداری جمعی جدید بویژه شرکتهای تولید کشاورزی یا تجاری به معنای عام کلمه و شرکتهای تعاضی تولید کشاورزی کم مسئله‌ترین و از نظر بازدهی عوامل تولید، ارزش افزوده و حفظ محیط و سایر معیارهای عمده، مناسب ترین نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران به شمار می‌روند.

عبداللهی در مطالعه خود به رتبه‌بندی نظامهای بهره‌برداری از لحاظ علمکرد با توجه به معیارهای ارزشیابی در سطح کشور و استانهای نمونه پرداخته است. مطابق نتایج، هم در سطح کشور و هم در سطح اغلب مناطق، دو نوع نظام بهره‌برداری، یکی نظام بهره‌برداری تجاری اعم از شخصی، سهامی زراعی و کشت و صنعت و دیگری، نظام بهره‌برداری تعاضی شامل شرکتهای تعاضی

تولید روستایی (غیر از مشاعرها)، دارای بالاترین میزان عملکرد بوده و لذا در مرتبه های اول و دوم قرار گرفته اند و بر عکس نظام بهره برداری دهقانی و واحد های مشاع دارای پایین ترین میزان عملکرد بوده و در پایین ترین مراتب جای گرفته اند.

طبق یافته های وی، بخش کشاورزی ایران در روند تحول ساختاری خود از کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین و در گذار از نظامهای بهره برداری مرتبط با ساختار سنتی نظیر واحد های خرد و دهقانی و تعاونی های سنتی و مشاع به نظامهای بهره برداری مرتبط با ساختار نوین یعنی نظام بهره برداری تجاری و تعاونی در قالب شرکتهای تعاونی تولید در سالهای اخیر، از توسعه ای به نسبت متوازن برخوردار بوده است. این امر متعاقب تحول کیفی یا نرم افزاری در ساختار کشاورزی و بویژه نظامهای بهره برداری پدید آمده است. این نتایج، ضرورت تغییرات ساختاری از طریق تغییر نظام بهره برداری و گذر از نظامهای بهره برداری سنتی چون دهقانی یا تعاونی های مشاع و حرکت به سوی نهادمندی نظامهای بهره برداری نوین و مناسب بویژه نظام بهره برداری تجاری و نظام بهره برداری تعاونی را تأیید می کند و دو نوع نظام بهره برداری تجاری و تعاونی تولید شامل شرکتهای تعاونی تولید روستایی، بهینه و مناسب شناخته شده اند.

قریانی و محمدیان (۱۳۸۴) در مطالعه ای بر اساس، سن و شغل اعضای تعاونی، میزان سهام و میزان درآمد سالانه نشان می دهد در روستاهایی که تعاونی تولید وجود دارد، سطح مشارکت به اندازه ۲/۱ واحد بیشتر از روستاهایی است که فاقد تعاونی اند. ضریب مربوط به متغیر سن نشان می دهد که با افزایش سن اعضای تعاونی مشارکت آنها نیز افزایش می یابد؛ زیرا کشاورزان بزرگتر و با درآمد بالاتر، کمتر به تعاونی ها نیاز دارند. افرادی که دارای شغل کشاورزی هستند، به دلیل اینکه از خدمات مالی (اعتبارات) و خدمات فنی (نهادهای کشاورزی) تعاونی ها استفاده می کنند، در تعاونی مشارکت بیشتری دارند. دلیل نبود روابط معنادار بین متغیر میزان تحصیلات و میزان مشارکت نیز این است که در نمونه مورد مطالعه، تنها ۱۱/۹ درصد از افراد، دارای تحصیلات عالی و دیگر افراد یا بی سواد و یا به طور عمده کم سواد هستند. بنابراین وجود تعاونی، بر مشارکت تأثیر مثبت دارد.

چوپانی (۱۳۷۹) نتیجه گرفته شرکتهای تعاونی در تأمین به موقع اعتبارات مورد نیاز اعضاء موفق عمل نکرده اند که دلایل آن، کم توجهی در عمل به وظایف قانونی خود و پرداختن به کارهای جنبی عنوان شده است. نجفی (۱۳۵۷) نتیجه گرفته تشکیل شرکتهای تعاونی باعث افزایش درآمد اعضاء، افزایش میزان سطح زیرکشت و افزایش عملکرد محصولات اصلی گردیده است. صفردری (۱۳۸۱) نقش شرکتهای تعاونی تولید روستایی را در بهبود وضعیت اقتصادی کشاورزان مثبت و

هدفهای آن را شامل: یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، افزایش درآمد، حفاظت از محیط زیست و حرکت به سوی توسعه پایدار می‌داند.

مطالعه عمانی و چیدری (۱۳۸۲) نشان داده بین میانگین دانش فنی اعضاء، سطح مکانیزاسیون، سطح زمین کشت گندم، درآمد حاصل از محصول، کل زمین در مالکیت، عملکرد محصول، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی گندم کاران عضو و غیرعضو تعاونی تولید روستایی، اختلاف معنی داری مشاهده شده است. مطالعه آهنچی (۱۳۷۲) تأکید دارد که اگرچه تعاونی‌ها از نظر تعداد تشکل و زیر پوشش قراردادن گروه زیادی از کشاورزان موفق بوده‌اند ولی از نظر کیفی و مشارکت جمعی در فعالیت‌های اجرایی کشاورزی، ناموفق باقی مانده‌اند. بویژه شرکتهای مورد بررسی در یکپارچه‌سازی اراضی و تشکیل گروه‌های کار زراعی، موفقیت پیش‌بینی شده‌ای را به دست نیاورده‌اند.

در مطالعات داخلی احمدی (۱۳۷۸) در بررسی عوامل موثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی تولید روستایی استان فارس بین ویژگی‌های فردی، اقتصادی و منزلت اجتماعی با عضویت در شرکت‌های تعاونی تولید روستایی، رابطه معناداری یافته است. سعدی (۱۳۸۷) در کاهش چالش‌های تعاونی تولید کشاورزی بر کارآفرینی و ایجاد اشتغال در استان همدان، مهمترین چالش‌های تعاونی تولید در زمینه کارآفرینی را ضعف فرهنگ کارآفرینی و آموزش اعضاء تعاونی و هیأت مدیره، نامناسب بودن زیر ساخت‌های سرمایه‌گذاری در محیط کسب و کار روستایی، کمبود سرمایه‌گذاری، پایین بودن انگیزه برای پیشرفت در جامعه روستایی و عدم حمایت مستمر و برنامه‌ریزی شده دولت و در مواردی، ایجاد وابستگی به دولت و نیز بی‌اعتمادی به اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های تولید بوده است.

درویش نیا و صدیقی (۱۳۸۲) در استان مازندران بین میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید و رضایت مندی اعضاء، مشارکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، سطح درآمد اعضاء، سطح زمین زراعی، تعداد قطعات زمین و کیفیت برنامه‌های آموزشی و ترویجی، رابطه مثبت و معناداری یافته‌اند. عمانی و چیدری (۱۳۸۲) تاثیر تعاونی‌های تولید روستایی بر ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی گندم کاران استان خوزستان را با توجه به دانش فنی اعضاء، تکنولوژی تولید، سطح زیر کشت گندم به عنوان شاخصی از صرفه‌های مقیاس اقتصادی تولید، درآمد محصول، میزان زمین تحت مالکیت، عملکرد محصول، مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی گندم کاران عضو و غیر عضو تعاونی تولید روستایی مطالعه و اختلاف معناداری بین اعضاء و غیراعضاء یافته است. قربانی و محمودیان (۱۳۸۴) در بررسی عوامل موثر بر مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی روستایی استان

مازندaran به این نتیجه رسیدند که در تعاونی ها، سن، شغل، میزان درآمد سالانه و سهام اعضاء بر مشارکت آنان تأثیر مثبتی دارد.

در نقد پژوهش های داخلی تعاونی های تولید روستایی، اغلب این مطالعات چارچوب نظری قابل قبولی ندارند. از نظر روش شناسی (اعم از تعریف عملیاتی، مقیاس سازی، نمونه گیری و تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها) نیز دچار اشکال اند و اصول روش شناسی هم به طور دقیق در آنها رعایت نشده است. صرف نظر از متفاوت بودن معیارهای مورد توجه این مطالعات در ارزشیابی عملکرد تعاونی ها، روش مطالعه اغلب آنها (بجز مطالعه عبداللهی، ۱۳۷۷) غیر تطبیقی است. یعنی نه فقط عملکرد نظامهای بهرهبرداری تعاونی تولید را در مقایسه با سایر انواع نظامهای بهرهبرداری مورد ارزشیابی قرار نداده و نتوانسته اند تأثیر نوع و ویژگی های نظام بهرهبرداری را بر عملکرد آن مشخص نمایند، بلکه حتی عملکرد نظامهای مورد بررسی تعاونی تولید را در مناطق مختلف ایران با یکدیگر مقایسه نکرده اند تا نقش عوامل محیطی اعم از طبیعی و اجتماعی را در کم و کیف عملکرد آنها مورد توجه قرار دهند. مقیاس اندازه گیری و شاخص های مورد نظر برای تعریف عمومی عملکرد، بسیار متنوع و متفاوت است.

بدین سان هیچکدام از منابع موجود مربوط به تعاونی های تولید حاوی نتیجه های جامع درباره عملکرد تعاونی ها نیست و این تحقیقات چنان پراکنده و غیرقابل مقایسه با یکدیگرند که از نتایج آنها هم نمی توان برآیندی به دست آورد تا براساس آن بتوان در مورد نظامهای تعاونی تولید روستایی قضاوی معتبر از لحاظ علمی و ارزشمند از نظر عملی ارائه نمود.

۴. روش شناسی پژوهش

تعاونی های تولید به عنوان نهادی سازمان یافته برمبنای همکاری متقابل می باشند که مشارکت جمعی و همکاری متقابل در افزایش تولید، بهرهوری، اشتغال زایی، انباشت سرمایه، بسیج پس اندازها، آموزش و توزیع درآمد نقش مهمی دارند. تعاونی های تولید مانند واحدهای تولیدی بخش خصوصی، به دنبال کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد، افزایش سطح رفاه و تقویت مشارکت در میان اعضاء هستند. مشارکت در تعاونی ها موجب صرفه جویی مقیاس در تولید، افزایش سهم بازار، کاهش میزان خطرپذیری، هماهنگی در عرضه و تقاضای محصول، دسترسی به نهادهای مورد نیاز در زمان معین، انجام عملیات بازار محصول و دسترسی به اطلاعات بازار و تولید می شوند. در این زمینه می توان تولید تعاونی ها را تابع نهاده های تولید کار، سرمایه، مشارکت اعضاء و مدیریت دانست.

$$X^{COR} = f(L, K, Par, Mem, \dots)$$

در تابع فوق XCOR تولید تعاونی، L نیروی کار، K سرمایه، Par میزان مشارکت اعضاء و Mem عضویت فرد در تعاونی می‌باشد. از این نظر، ساختار تولید تعاونی به لحاظ سازمانی متفاوت با بخش خصوصی است. در بقیه موارد، نوعی هماهنگی و اشتراک میان فعالیت تعاونی و خصوصی به چشم می‌خورد. برای نمونه در تعاونی، سرمایه از طریق اعضاء و تقسیم سود براساس مشارکت در تأمین سرمایه می‌باشد. مشارکت اعضاء نیز در بهره‌وری و بازدهی تولید نقش خاص دارد که ارتباط متقابل میان اعضاء را افزایش می‌دهد.

برخی مطالعات مشارکت اعضاء تعاونی را تابعی از متغیرهای فردی و اقتصادی منظور نموده و به تبیین رفتارهای اقتصادی و اجتماعی حاکم بر تعاونی‌ها پرداخته است (Kraenzle, 1989). کرانزل در این خصوص متغیرهای اساسی را در تعاونی‌های آمریکا مطالعه نموده است. در مطالعه‌ی مشارکت اعضاء در تعاونی تابع سن (age)، آموزش (Edu)، عضویت (Mem)، درآمد (Incom)، سطح زیرکشت (Kesht)، مزرعه (Farm) و سهم اعضاء (Share) می‌باشد.

$$P_{cor} = P(age, Edu, Mem, Incom, kesht, farm, share)$$

پرسش اصلی مطالعه حاضر، ارزیابی اثرات اقتصادی تعاونی‌های تولید در قالب متغیرهای بازدهی عوامل تولید، افزایش تولید، کاهش هزینه، اصلاح زیرساخت‌های کشاورزی، بهبود روش‌های عرضه محصول، پایداری محیط زیست در قالب استفاده مناسب از منابع، استفاده از ماشین آلات و تجهیزات جدید و اثرات اجتماعی در قالب مشارکت اعضاء، نرخ مهاجرت روستایی، افزایش سطح آموزش و رضایت اعضاء، در تعاونی‌های تولید است و فرضیه‌های زیر برای پاسخگویی به سؤالات فوق طراحی شده است.

اثرات تعاونی‌های تولید از نظر اقتصادی و اجتماعی شامل بازده عوامل تولید، آب، زمین، نیروی انسانی، سطح و هزینه تولید، درآمد عضو، استفاده از تکنولوژی جدید، کمک به پایداری محیط زیست، اصلاح زیرساخت‌های فنی کشاورزی، اصلاح روش‌های عرضه محصول و از بعد اجتماعی، افزایش سطح رفاه، مشارکت و رضایت اعضاء، سطح آموزش در تعاونی‌های استان‌های مختلف متفاوت بوده و با ویژگی‌هایی نظیر نوع و سابقه فعالیت، تعداد اعضاء، اراضی تحت پوشش، نوع اقلیم و خاک، کمک‌های بلاعوض دولت و تسهیلات دریافتی، سرمایه و نوع مدیریت (خودگردان وغیرخودگردان) در ارتباط است.

دیدگاه‌های اعضای شرکت‌های تعاونی تولید در باره اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت تعاونی بر زندگی آنها متفاوت بوده و این تفاوت با متغیرهای سن، سواد، جنسیت، وضعیت تأهل، بعد خانوار، سابقه عضویت، منبع اصلی تأمین درآمد، وضعیت انجام فعالیت مورد نظر در قبل از عضویت، نحوه عضویت در تعاونی، آگاهی از وظایف تعاونی، و اعضاء، حضور در مجمع عمومی، رابطه اعضاء با

یکدیگر و مدیران عامل تعاونی ها، محل انجام فعالیت تعاونی نحوه تأمین نهاده های لازم برای تعاونی (ماشین آلات، نیروی کار، بذر و کود) وضعیت شرکت در دوره های آموزشی، میزان دریافت وام، نحوه فروش تولیدات، اشتغال و وضعیت دریافت دستمزد از تعاونی در ارتباط است:

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل بهره برداران عضو شرکت های تعاونی تولید در استانهای فارس، خراسان (رضوی، شمالی و جنوی)، همدان، سمنان و گلستان و همچنین بهره برداران غیر عضو تعاونی های تولید در مناطق همچوار حوزه فعالیت تعاونی ها در استانهای مذکور می باشد. جامعه آماری بهره برداران عضو تعاونی های مذکور دارای ۱۲۱۹۵۰ نفر عضو می باشد. همچنین کل جامعه آماری بهره برداران غیر عضو این تعاونی ها، برابر با جامعه آماری بهره برداران عضو تعاونی ها یعنی حدود ۱۲۲ هزار نفر منظور شده است.

نمونه گیری این پژوهش از دو جامعه آماری بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی های تولید بر اساس نمونه گیری طبقه ای سهمیه ای و به صورت تصادفی انجام گرفته و بر اساس فرمول آماری کوکران، تعداد نمونه ها از جامعه آماری عضو و غیر عضو برابر و معادل ۲۱۲ نفر در هر کدام انتخاب شده، روش تحقیق به صورت توصیفی همبستگی و روش جمع آوری اطلاعات در پژوهش حاضر، تدوین و تکمیل پرسشنامه و مصاحبه با صاحب نظران، بوده، تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گرفته و در آمار توصیفی از آماره هایی نظیر درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای توصیف داده ها و در آمار تحلیلی به منظور مقایسه نظرات بهره برداران عضو و بهره برداران غیر عضو تعاونی تولید در خصوص ویژگی های اعضاء از آزمون استیوتدنت و همچنین در تحلیل روابط بین عضویت در تعاونی (متغیر مستقل) و ویژگی های اعضاء (متغیر های وابسته) از آزمون کای دو استفاده شده است.

۵. تحلیل استنباطی وضعیت تعاونی های تولید و بهره برداران غیرعضو

در این قسمت، با توجه به فرضیه های پژوهش، به تجزیه و تحلیل داده های پرسش نامه در زمینه میانگین درآمد اعضای تعاونی، عملکرد تولید (به تفکیک زراعی، باگی ودامی، صنایع و شیلاتی)، سطح زیر کشت اراضی، بازدهی سرمایه، زمین و نیروی انسانی، سطح زندگی، میزان مهاجرت، مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، سطح رضایت از شغل کشاورزی، انجام کار برای دیگران بین بهره برداران عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو پرداخته و از نظر آماری فرضیه های فوق آزمون می شوند. فرضیه های تحقیق عبارتند از :

فرضیه ۱

۱. بین میانگین درآمد اعضای تعاونی، عملکرد تولید (به تفکیک زراعی، باگی ودامی، صنایع و شیلاتی)، سطح زیر کشت اراضی، بازدهی سرمایه، زمین و نیروی انسانی و بهره برداران غیرعضو به عنوان گروه شاهد اختلاف معناداری وجود دارد :

$$H_0 : M_1 = M_2 \quad H_1 : M_1 > M_2$$

نتیجه	نتیجه آماری / رد یا تایید فرضیه	عنوان فرضیه
شرکت‌های تعاونی تولید از طریق تأمین نهاده‌های تولید (بذر، کود، سم و...) موجب افزایش درآمد اعضاء شده اند. این افزایش عمدتاً ناشی از کاهش هزینه‌های تولید بوده است.	الف- اختلاف معنی دار بین نظر اعضای تعاونی ها نسبت به افزایش درآمد آنان از طریق فعالیت تعاونی ها در حد متوسط ارزیابی می شود. اعتقاد اکثر پاسخ‌گویان غیر عضو این است که در صورت تشکیل تعاونی، درآمد آنان افزایش خواهد یافت.	فرضیه ۱-۱ الف- بین درآمد اعضای تعاونی (گروه آزمایش) و بهره برداران غیرعضو (گروه شاهد) اختلاف معنی داری وجود دارد : $H_0 : M_1 = M_2$ $H_1 : M_1 > M_2$
نقش تعاونی ها در افزایش عملکرد زراعی (تولید در واحد سطح) تعییف بوده است. عملکرد در واحد سطح در دو گروه نزدیک به هم می باشد. این مساله از شیوه تولید یکسان در دو گروه مورد مطالعه ناشی می شود.	عدم اختلاف معنی دار عملکرد تولید محصولات زراعی در دو گروه عضو و غیر عضو، (رد فرضیه).	فرضیه ۱-۲ عملکرد تولید (زراعت) در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) و بهره برداران غیرعضو (گروه شاهد) دارای تفاوت معنی داری است :
میانگین اراضی تحت پوشش اراضی تعاونی ها بیشتر از افراد غیر عضو بوده است. این مساله ناشی از خدمات تعاونی ها در ارتباط با تأمین نهاده‌های تولید و کمک به تأمین آب می باشد.	اختلاف معنی دار سطح اراضی زراعی در دو گروه آزمایشی (اعضای تعاونی های تولید) و گروه شاهد (غیرعضوها) در سطح ۹۲ درصد (تایید فرضیه).	فرضیه ۱-۳ سطح زیر کشت اراضی زراعی در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) و بهره برداران غیرعضو (گروه شاهد) دارای تفاوت معنی داری است :
بازدهی زمین در بین اعضای تعاونی ها (گروه آزمایشی) بیشتر از پاسخ‌گویان غیر عضو بوده است. این مساله می تواند ناشی از خدمات تعاونی ها در زمینه نهاده‌های تولید می باشد.	بازدهی زمین در گروه آزمایشی ۳۹۱۸۳۹ تومان و گروه شاهد ۳۷۶۷۳ تومان بوده است.	فرضیه ۱-۴ به نظر می رسد بازدهی زمین در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) بیشتر از بهره برداران غیر عضو (گروه شاهد) باشد:
بازدهی نیروی کار در بین اعضای تعاونی ها (گروه آزمایشی) بیشتر از پاسخ‌گویان غیر عضو بوده است. این مساله ناشی از خدمات تعاونی ها در زمینه نهاده‌های تولید می باشد.	بازدهی نیروی کار در گروه آزمایشی ۲۰۱۰۸۵۳ تومان و گروه شاهد ۱۲۰۷۹۳۷ تومان محاسبه شده است.	فرضیه ۱-۵ به نظر می رسد بازدهی نیروی انسانی در بین اعضای تعاونی (گروه آزمایشی) بیشتر از بهره برداران غیر عضو (گروه شاهد) باشد :
هدف تولید (محصولات زراعی)، هم در بین پاسخ‌گویان عضو و هم، غیر عضو عمدتاً فروش بوده است. این مساله حکایت از تولید تجارتی در کشاورزی دارد. تولید به قصد تجارت در بین پاسخ‌گویان عضو نسبت به غیر عضوها بیشتر بوده و این امر می تواند در ارتباط با فعالیت تعاونی های تولید حاصل شده باشد.	عدم تفاوت معنادار درهدف تولید در بین دو گروه آزمایشی و شاهد دارای (رد فرضیه).	فرضیه ۱-۶ هدف تولید (صرف - فروش) در بین بهره برداران غضو تعاونی (گروه آزمایشی) تفاوت معنی داری با غیر عضوها (گروه شاهد) دارد.

فرضیه ۲

۲. بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، از نظر سطح زندگی، میزان مهاجرت، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، رضایت از کشاورزی و انجام کار برای دیگران، تفاوت معناداری وجود دارد.

$$H_0: M_1 = M_2$$

$$H_1: M_1 > M_2$$

۱-۲. با توجه به جدول (۱۰)، احتمال پذیرش فرضیه برابر با صفر و کمتر از یک درصد می باشد. بنابراین، بهره برداران عضو تعاونی از نظر تفاوت در سطح زندگی با بهره برداران غیرعضو در سطح ۹۹ درصد دارای اختلاف معناداری هستند. سطح زندگی در بین گروه های مورد مطالعه با استفاده از شاخص گذاری (صفر یک) برای هریک از شاخص های مبل، میز نهار خوری، تلویزیون، ماشین لباسشویی، یخچال، فریزر، ویدئو، کولر و جارو برقی انجام گرفته است.

در جدول (۲) سطح زندگی در تعاونی های تولید و بهره برداران غیرعضو مقایسه شده است. از مجموع ۱۹۶ نفری که دارای سطح زندگی پایین بوده اند، ۱۲۵ نفر معادل $63/8$ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۷۱ نفر معادل $36/2$ درصد مربوط به اعضای تعاونی های تولید بوده است. به این معنا که در نمونه مورد بررسی، افراد با سطح زندگی پایین، بیشتر در میان بهره برداران غیر عضو مشاهده شده است. در میان ۳۴۳ نفر با سطح زندگی متوسط، ۱۵۷ نفر معادل $45/8$ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۱۸۶ نفر معادل $54/2$ درصد مربوط به گروه عضو تعاونی های تولید بوده است. یعنی افراد دارای سطح متوسط زندگی بیشتر عضو تعاونی تولید بوده اند.

همچنین از مجموع ۶۱ نفر با سطح زندگی بالا، ۱۸ نفر معادل $29/5$ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو و ۴۳ نفر معادل $70/5$ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید، بوده اند. در مجموع، اعضای تعاونی تولید سطح زندگی بهتری نسبت به غیر عضوها داشته اند. سطح زندگی در قالب برخورداری از امکانات رفاهی بهتر و مطلوبتر سنجش شده است.

۲-۲. بین بهره برداران عضو تعاونی و غیر عضوها از نظر میزان مهاجرت به شهر، تفاوت معناداری وجود دارد. چون آماره احتمال فرضیه H_0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می باشد بنابراین، میزان مهاجرت بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی در سطح ۹۹ درصد دارای تفاوت معناداری است.

یافته های حاصل از پژوهش حاضر نشان می دهد که تعاونی های تولید، سهم بیشتری از مهاجرت های پایین را به خود اختصاص داده اند. $62/7$ درصد مهاجرت های پایین مربوط به اعضای تعاونی های تولید و $37/3$ درصد آن مربوط به بهره برداران غیر عضو بوده است. در میان ۲۶۳ نفر عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو که سطح مهاجرت در آنها پایین بوده است،

تعاونی های تولید در مهاجرت های پایین سهم بیشتری داشته اند. در صورتی که این سهم در بهره برداران غیر عضو بسیار پایین تر بوده است. ۳۴/۵ درصد مهاجرتها هی متوجه (بین یک تا دو نفر) مربوط به اعضای تعاونی های تولید و ۶۵/۵ درصد آن مربوط به بهره برداران غیر عضو (از میان ۲۵۸ نفر عضو و غیر عضو) بوده است. همچنین، از بین ۷۹ نفر عضو و غیر عضو تعاونی تولید که دارای سطح مهاجرت بالا بوده اند ۵۸/۲ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید و ۴۱/۸ درصد مربوط به غیر اعضاء بوده است. بنابراین، اعضای تعاونی تولید نسبت به بهره برداران غیر عضو، مهاجرت کمتری داشته اند.

۲-۳. بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی از نظر میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه آماره احتمال پذیرش فرضیه H_0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می باشد، بنابراین بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی از نظر میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی در سطح ۹۹ درصد اختلاف معناداری وجود دارد. مشارکت، یکی از شاخص های مهم ارزیابی اعضای تعاونی تولید است که نشان می دهد تا چه اندازه تعاونی های تولید در افزایش مشارکت اعضاء نقش داشته اند. در نمونه مورد بررسی از میان ۲۵۵ نفر عضو تعاونی های تولید و بهره برداران غیر عضو ۷۰/۲ درصد اعضای تعاونی های تولید دارای مشارکت بالای بوده اند. این رقم در مورد بهره برداران غیر عضو ۲۹/۸ درصد است. از بین ۳۳۳ نفر (عضو و غیر عضو تعاونی های تولید) با سطح مشارکت متوسط، ۳۲/۷ درصد مربوط به اعضای تعاونی های تولید و ۶۷/۳ درصد مربوط به بهره برداران غیر عضو بوده است. همچنین، از بین ۱۲ نفر (عضو و غیر عضو تعاونی تولید) با سطح مشارکت پایین، همگی مربوط به اعضای تعاونی تولید بوده اند. در مجموع، اعضای تعاونی های تولید نسبت به بهره برداران غیر عضو، مشارکت بیشتری در امور تولیدی و اجتماعی داشته اند.

۲-۴. (الف) بین عضویت در تعاونی تولید و رضایت از کشاورزی، ارتباط معناداری وجود دارد.
ب) این رضایت در بین کشاورزان عضو تعاونی، معطوف به جنبه های اقتصادی ولی در بین کشاورزان غیر عضو، معطوف به جنبه های معیشتی است.

۲-۵. بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو از نظر انجام کار برای دیگران، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه میزان P در جدول فوق برابر با ۰/۲۴۳ و این مقدار بیشتر از ۵ درصد می باشد بنابراین اختلاف بین انجام کار برای دیگران در بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی در سطح ۹۵ درصد معنادار نمی باشد.

رضایت از فعالیت کشاورزی از دیگر موضوعات مهمی است که در مطالعه حاضر مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف از طرح این سؤال، اجباری و معیشتی بودن فعالیت کشاورزی بین اعضای

تعاونی های تولید و سنجش مقایسه ای آن با بهره برداران غیر عضو بوده است. این پرسش نظر و دیدگاه اعضای تعاونی تولید را از نظر مقیاس تولید، رضایت از درآمد کشاورزی، نگاه خود مصرفی یا تجاری به فعالیت کشاورزی را منعکس می کند.

بر اساس اطلاعات جدول (۵)، در میان ۵۳۵ نفر عضو و غیر عضو تعاونی های تولیدکه از شغل خود رضایت داشته اند، ۴۸ درصد مربوط به اعضای تعاونی تولید و ۵۲ درصد مربوط به غیر اعضاء بوده است. از بین ۳۳۳ نفر عضو و غیر عضو تعاونی های تولید که از شغل خود رضایت نداشته اند ۶۱ درصد مربوط به اعضای تعاونی های تولید و ۳۹ درصد مربوط به غیر اعضاء بوده است. در بررسی این موضوع که چرا تعاونی های تولید نقش مؤثری در جلب رضایت اعضاء نسبت به شغل کشاورزی نداشته اند، دلایل رضایت بین اعضاء و غیر اعضاء مورد پرسش واقع گردید که درصد فراوانی آن در جدول (۶) درج شده است.

میزان رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو و غیر عضو را می توان اساسا در وابستگی آنها به کشاورزی از جنبه های معیشتی دانست. در بین اعضای تعاونی تولید $50/3$ درصد و در بین بهره برداران غیر عضو 63 درصد، علت رضایت از شغل کشاورزی را تأمین معیشت دانسته اند. عادت به کار کشاورزی و نداشتن شغل دیگر و علاقه مندی از جمله سایر دلایل بوده است.

نکته قابل توجه در علت یابی این موضوع، صرفه اقتصادی است که درصد آن در بین اعضای تعاونی تولید $5/3$ درصد و در بین غیر اعضاء $2/3$ درصد بوده است. به عبارت دیگر، رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو تعاونی تولید، بیشتر به لحاظ اقتصادی و تلقی آن به عنوان منبع اقتصادی، بوده است و تعاونی های تولید در گرایش کشاورزان به تلقی آنها از کشاورزی به عنوان منبع اقتصادی، موثرتر بوده اند. بر این اساس، بین بهره برداران عضو تعاونی تولید و بهره برداران غیر عضو از نظر میزان رضایت از کشاورزی، تفاوت چندانی وجود نداشته است.

۶-۲. بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، از نظر استفاده از کار دیگران (نیروی کار خارج از خانوار) در تولید، تفاوت معناداری وجود دارد.

H0: M1=M2

H1:M1>M2

با توجه به اینکه آماره احتمال پذیرش فرضیه H0 در جدول فوق کمتر از یک درصد می باشد، بنابراین بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی تولید از نظر استفاده از کار دیگران در سطح 99 درصد اختلاف معناداری وجود دارد.

انجام کار در میان بهره برداران عضو و غیر عضو در جدول (۸) نشان می دهد اختلاف قابل توجهی بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو از نظر انجام کار برای دیگران وجود ندارد.

اطلاعات جدول بیانگر اختلاف استفاده از کار دیگران در تولید بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاوی است.

در مجموع بررسی حاصل از داده های مبتنی بر پرسش نامه نشان می دهد که تعاوی های تولید، نقش مهمی در توسعه اجتماعی اعضاء بخصوص در زمینه کاهش مهاجرت رستاییان، تقویت روحیه مشارکت در بین اعضاء، جذب نیروی کار خارج از خانوار و سوق دادن کشاورزی سنتی به سمت کشاورزی مدرن داشته است. از طرف دیگر، با توجه به اینکه توسعه اجتماعی نیروی انسانی پیش شرط و مقدم بر رشد و توسعه اقتصادی در هر زمینه ای است، تعاوی های تولید می توانند با تاثیرگذاری در توسعه اجتماعی اعضاء، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه رستایی و کشاورزی را تسريع کنند.

در بررسی معناداری ارتباط بین عضویت در تعاوی تولید و میزان رضایت از کشاورزی از آزمون کای اسکور استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جداول فوق، سطح معناداری ارتباط بین عضویت در تعاوی و میزان رضایت از کشاورزی ۵ درصد است. بین عضویت در تعاوی تولید و میزان رضایت از شغل کشاورزی، ارتباط معناداری وجود ندارد. اعداد به دست آمده در ضرایب فی و (Phi) و کرامرز (Cramers V) موید نبود چنانی ارتباطی است. برای آزمون معنادار بودن ارتباط بین عضویت در تعاوی و میزان بدھکاری از آزمون کای اسکور استفاده می کنیم: بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول فوق، مقدار خی دو (کای اسکور)، برابر ۲۱/۷ بوده که بیشتر از خی دو مندرج در جدول استاندارد است.

جدول ۱. آزمون معنادار بودن متغیرهای الگو در شرایط برابری واریانس بر اساس آماره‌های χ^2

شرح متغیرها	F	آماره t	آماره آزادی	درجه آزادی	وضعیت معناداری
سطح زندگی	۱۳/۷۳	۰/۰	۵/۳۶	۵۹۸	+
میزان مهاجرت	۲۹/۵۶	۰/۰	-۳/۲۲	۵۹۸	+
میزان مشارکت	۷۳/۰۹	۰/۰	-۷/۳۰	۵۹۸	+
انجام کار برای دیگران	۷۳/۰۹	۰/۰	-۷/۳۰	۵۹۸	+
استفاده از کار دیگران در تولید	۸/۳۸	۰/۰۴	۴/۲۰	۵۹۸	+

مأخذ: داده های تحقیق

جدول ۲. ارتباط بین عضویت در تعاوی تولید و میزان رضایت از کشاورزی با استفاده از آزمون کای دو

آماره دوطرفه	درجه آزادی	مقدار	Pearson Chi-Square	شرح
۰/۴۹	۱	۳/۸۸	Pearson Chi-Square	ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان رضایت از کشاورزی
۰/۴۹	---	---	۰/۰۸۰	Phi
۰/۴۹	---	---	-۰/۰۸۰	Cramers V
۰/۰۰۰	۲	۷/۲۱	Pearson Chi-Square	ارتباط بین عضویت در تعاونی تولید و میزان بدھکاری
۰/۰۰۰	---	---	۰/۱۹۰	Phi
۰/۰۰۰	---	---	۰/۱۹۰	Cramers V

مأخذ: داده های تحقیق

همان طور که مشاهده شد سطح زندگی بهره برداران عضو تعاونی تولید در استانهای مورد بررسی، بهتر از بهره برداران غیر عضو می باشد. بخشی از این تفاوت مربوط به خدمات تعاونی های تولید بودیه در ارتباط با تامین نهاده های تولید می باشد. علاوه بر این، میزان مهاجرت بهره برداران عضو تعاونی کمتر از بهره برداران غیر عضو می باشد. این امر در نتیجه خدماتی است که تعاونی های تولید به افراد تحت پوشش خود ارائه می دهند. همچنین، میزان مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی در بهره برداران عضو تعاونی، بیشتر از بهره برداران غیر عضو بوده است. یکی از دلایل بالا بودن سطح مشارکت در بین اعضای تعاونی نسبت به غیر اعضاء، مشارکت آنان در مجتمع عمومی تعاونی های تولید بوده است.

به طور کلی تعاونی های تولید با ایجاد سازوکارهای جمعی در فرایند تصمیم گیری موجب همکاری، مشارکت و ارتباط نزدیک تولید کننده ها باهم شده اند. در واقع، این فرایند باعث شده است که اعضای تعاونی ها در امر کشاورزی و مسائل و مشکلات آن با هم برنامه های جمعی داشته باشند. میزان رضایت از کشاورزی در بین بهره برداران عضو تعاونی و بهره برداران غیر عضو، تفاوت معناداری نداشته است. به دلیل یکی بودن شیوه تولید در دو گروه مورد مطالعه، رضایت از کشاورزی علی رغم اینکه در هر دو گروه در سطح بالا بوده است ولی دارای تفاوت معناداری نیست. در صورت تفاوت در شیوه تولید، نوع نگرش به کشاورزی نیز متفاوت می شود. نگرش به کشاورزی و رضایت از آن در شرایط شیوه تولید سنتی از زاویه معیشت و در کشاورزی مدرن از زاویه فروش و درآمد است. انجام کار برای دیگران در بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاونی دارای تفاوت معناداری نیست. عدم اختلاف معنادار در انجام کار برای دیگران بین دو گروه مورد مطالعه نیز تحت

تاثیر همانندی شیوه تولید است. استفاده از کار دیگران در تولید، در بین بهره برداران عضو و غیر عضو تعاضونی دارای تفاوت معنادار است.

می‌توان نتیجه گرفت که تعاضونی‌های تولید در تغییر وضعیت بهره برداران آن چنان تاثیری را داشته اند که آنها قادر به جذب نیروی کار خارج از خانوار در امر کشاورزی شده اند. این فرایند می‌تواند از گامهای اولیه به سوی کشاورزی مدرن به حساب آید.

۶. آسیب‌شناسی تعاضونی‌های تولید

یافته‌های حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که تعاضونی‌های تولید در ایران به رغم مشکلات موجود که برخی ناشی از محیط کسب و کار و برخی به خاطر سیاست‌های دولت و برخی ناشی از کارکرد درونی این نهادها می‌باشد در مجموع بهره برداران عضو آنها در استانهای مورد بررسی در نمونه گیری از نظر اثر گذاری درسطح زندگی بهره برداران عضو، ارائه خدمات، جلوگیری از مهاجرت اعضاء ترغیب مشارکت بیشتر بهره برداران عضو در امور تولیدی، اقتصادی و اجتماعی و جذب نیروی کار در قالب استفاده از کار دیگران، دارای وضعیت بهتری بوده اند. اما از نظر میزان رضایت از فعالیت کشاورزی، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نمی‌شود. جذب نیروی کار نیز بین دو گروه از نظر آماری معنادار نبوده است. این نتیجه از یافته‌های فوق مستفاد می‌شود که فعالیت‌های تعاضونی تولید در بخش کشاورزی به دلایل گوناگون در جلب رضایت بهره برداران با دشواری‌هایی مواجه بوده است. بخشی از این موضوع به معیشتی بودن فرایند تولید در این تعاضونی‌ها و از هم گسیختگی اراضی و اندازه کوچک آنها ناشی می‌شود.

به رغم تحولاتی که در تعاضونی‌های تولید از نظر استفاده از تکنولوژی‌های جدید در فرایند تولید صورت گرفته و این تغییرات آثار مثبتی بر جای گذاشته اند اما تا رسیدن به وضعیت مطلوب از نظر افزایش کارآیی، بهبود در مدیریت و تغییر نگاه به فعالیت‌های تولید در بخش کشاورزی از حالتی سنتی به مدرن و تغییر ساختاری چنین نهادهایی که ریشه‌ای عمیق در بخش کشاورزی ایران دارد، شکاف قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود که از طریق غلبه بر موارد ذیل تحقق می‌یابد.

الف) مقابله با تنگناهای درونی کشاورزی ایران

کشاورزی ایران دارای تنگناهای درونی است که در دوره‌های تاریخی ساختارمند شده است. این تنگناها که به شکل تاریخی حاصل شده، شرایطی را به وجود آورده که شکوفایی کشاورزی را با تکیه بر نیروهای درون خود، دشوار نموده است. کمبود آب و خرد مالکی، دو عنصر اساسی این تنگنا می‌باشد. ترکیب این دو موجب شده تا دگرگونی از درون نظام بهره‌برداری کشاورزی به کندی صورت گیرد. لذا در صورت ضعف سیاست‌های دولت، کشاورزی بیش از پیش در مسیر فقر و تجزیه می‌افتد؛ تجزیه خانوار و تجزیه زمین. در همین راستا، تقویت و اصلاح نهادهای تولید از جمله تعاونی تولید ضرورت می‌یابد. به بیان دیگر، نظام بهره‌برداری و شیوه تولید غالب در عرصه تعاونی‌های تولید عمده‌ای مبتنی بر شیوه دهقانی است. چون این شیوه فاقد نیروی لازم برای دگرگونی از درون است، لذا تعاونی‌های تولید که در واقع عنصر بیرونی نظام تلقی می‌شوند، به دلیل ضعف، رو به تحلیل می‌روند.

مهمنترین هدف تعاونی‌های تولید بر اساس قانون تعاونی نمودن تولید، یکپارچه سازی اراضی است. یکپارچه سازی اراضی به دلیل تضادهای موجود بین مساله تبدیل ملک به سهم، که ماهیتاً جامعه کشاورزی با آن روبرو است و همچنین محدودیت منابع مالی و اعتباری در این زمینه به طور یکباره تحقق پذیر نیست. ارزیابی فعالیت تعاونی‌های تولید بر مبنای انتظار حدآکثری از آن (یکپارچه سازی اراضی) بدون سازگاری با دیگر اهداف، این تعاونی‌ها را دچار چالش‌های جدی و کاهش انگیزه نموده است. نظام بهره‌برداری کشاورزی ایران به دلایل فراوانی که بسیاری از آنها به عوامل بیرون از نظام تولید مرتبط است، فرایندی را تجربه می‌کند که مسیر آن خلاف جهت یکپارچه سازی اراضی است. تجزیه و خرد شدن مجدد اراضی کشاورزی، مهمنترین مصادیق این فرایند می‌باشد. مجموع این فرایند به معنای گریز از یکپارچه سازی اراضی است.

ب) ضرورت اصلاح رویکرد دولت به تعاونی‌های تولید

تشکیل تعاونی‌های تولید را می‌توان نتیجه بسترهایی دانست که اصلاحات ارضی ایجاد کرد. خرد شدن اراضی کشاورزی ایران یکی از نتایج اصلاحات ارضی بود. رها سازی این بهره‌برداری‌ها بدون سرمایه، امکانات و مدیریت تولید، منجر به کاهش محصولات کشاورزی گردید. به هم ریختن سازمان‌های سنتی جمعی تولید و جایگزین نشدن نهادی مناسب، به اتلاف منابع و کاهش درآمد بهره‌برداران انجامید. شرایط جدید ناشی از تحولات در جامعه روستایی، شکل گیری شیوه‌های نوین را در سازماندهی روابط تولیدی ضروری ساخته بود. در این رابطه دولت سعی کرد با راه اندازی

شرکت‌های سهامی زراعی، شرکت‌های تعاونی تولید روسایی (کشاورزی) و کشت و صنعت‌ها بر مشکل کشت در قطعات کوچک و کمبود سرمایه و امکانات فنی فائق آید.

از سال ۱۳۶۸ تحرک جدیدی در تشکیل تعاونی های تولید به وجود آمد. تشکیل این تعاونی در سالهای اولیه کند ولی در سالهای ۱۳۷۴-۷۶ روند افزایشی داشت. این دوره را می‌توان سالهای پایه برای تاسیس تعاونی دانست. حدود ۸۰ درصد از تعاونی های در طی این سه سال تشکیل شدند. این فرایند نشانگر گرایش یکباره به تشکیل تعاونی های تولید در کشور است. می‌توان چنین استنباط کرد که تشکیل تعاونی های تولید در بهره برداری‌های کشاورزی ایران به شدت تحت تأثیر تصمیمات دولت بوده و به دلیل کمبود امکانات، خدمات، کمکها، سازماندهی تعاونی ها در اجرا و همین طور زمان کم، از ابتداء نیز در چالش قرار داشته و در واقع سرعت تشکیل، از سرعت سازماندهی بیشتر بوده است.

در چارچوب قانون تعاونی نمودن تولید، مهمترین مؤلفه در تشکیل تعاونی های تولید، فرض حضور دولت در مدیریت تعاونی های تولید و مهمترین هدف تعاونی، یکپارچه سازی اراضی و یکپارچه سازی اراضی نیز به عنوان مهمترین هدف تعاونی های تولید به دلیل تضادی که ماهیتاً در تبدیل مالکیت به سهم داشت، از همان ابتداء دارای چالش جدی بود.

فرض حضور دولت در ارکان تعاونی های تولید به طور زود هنگام با جایگزینی گفتمان های مبتنی بر فعل کردن مردم طی سالهای اخیر، با تردید روبرو شد. خود گردانی سریع تعاونی های تولید در دوره گذشته (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴) را می‌توان اقدام قاطعی در این باره تلقی نمود که به زعم برخی از مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره تعاونی های تولید، یکباره، شوک مانند و زود هنگام بوده و با تحت تأثیر قرار دادن ساختار مدیریتی تعاونی های تولید در امور آنها، نوعی سرگشتنگی ایجاد و تعاونی ها را در برابر مقوله مهمی چون یکپارچه سازی اراضی تنها گذاشته است. از دید مسئولان تعاونی های تولید، این اقدام نوعی برگشت به حالت عدم توجه به تعاونی محسوب می‌شود. فقدان شفافیت در برنامه‌های دولت در ارتباط با سازماندهی، تجهیز و توسعه تعاونی های تولید، الزام تعاونی های تولید به انجام امور دست و پا گیر، محدودیت مدیران در اختیارات لازم، از چالش های اساسی تعاونی های تولید است. تعاونی های تولید به غیر از یکپارچه سازی اراضی که اجرای آن در قالب حقوقی تعاونی دارای مسائلی است، قابلیت انجام کلیه هدفهای مندرج در قانون تعاونی نمودن تولید (از جمله تأمین نهادها، فروش و صادرات محصول، فرآوری و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی، توسعه مکانیزاسیون و از این قبیل) را دارند. تحقق یکپارچه سازی اراضی می‌تواند وضعیت تعاونی های تولید را تغییر دهد. در حال حاضر یکپارچه سازی اراضی با کمبود منابع مالی و آمادگی مردم مواجه است. حصول به شرایط ایده آل نیازمند زمان است. تجربه

دیگر کشورهای پیشرو نشان می دهد که در بستر نظام بهره برداری دهقانی، اول قالب تعاونی وسپس شرکت سهامی زراعی یا کشت و صنعت ها دارای موفقیت قابل توجهی بوده اند. علاوه بر یکپارچه سازی اراضی، کم وکیف خدمات نیز از مسائل اصلی تعاونی های تولید است. مولفه های خدمات عبارتند از: تهیه نهاده (اعم از بذر، کود و سم)، تأمین ماشین آلات مورد نیاز کشاورزان، فروش و غیره. کیفیت انجام هر کدام از عوامل فوق توسط تعاونی دارای کاستی هایی است (در حدود ۶۰ درصد بذر و کود و کمتر از ۵۰ درصد سم مورد نیاز کشاورزان توسط تعاونی تأمین می شود). در بسیاری از موارد، تعاونی های تولید جای مرکز خدمات نشسته اند، ولی سطح کارآیی آنها را ندارند.

ج) رفع چالش های مالی و کمبود سرمایه در تعاونی های تولید

یکی دیگر از مشکلات کشاورزی ایران، عدم امکان انباشت سرمایه از درون است. کشاورزی ایران از دو نظام تولید عمده دهقانی و نظام سرمایه داری - تجاری، تشکیل شده است. میانگین زمین در واحد های سرمایه داری حدود ۲۲ هکتار و واحد های دهقانی حدود ۴/۲ هکتار می باشد. با توجه به میانگین های برداشت محصول در واحد سطح، قیمت محصول، قیمت نهاده های تولید و همین طور با در نظر گرفتن مسائل فروش محصول، امکان انباشت سرمایه از درون نظام تولید کشاورزی ایران بسیار ضعیف است. در قسمت کشاورزی تجاری (حدود پانصد هزار واحد کشاورزی) تا حدودی (بسیار کم) امکان انباشت سرمایه وجود دارد؛ اما به محض حصول انباشت، به دلیل بسته بودن فضای کسب و کار و غلبه عناصر معیشتی و در پی سود بیشتر، به دیگر بخشها، عمدتاً فعالیت های واسطه گری در مناطق شهری، منتقل می شود. لذا این انباشت ها به مدد تمرکز و توسعه اراضی دهقانی و انباشت سرمایه در بخش نمی رود.

در بین بهره برداران دیگر (سه میلیون واحد دهقانی) نه تنها امکان انباشتی وجود ندارد، بلکه تولید کنندگان آن دچار نوعی تجزیه مجدد نیز می باشند. علت اینکه حدود ۴۱ درصد از مدیران عامل تعاونی های تولید اولین مشکل خود را کمبود سرمایه و منابع مالی عنوان نموده اند، این است که امکان تجهیز شرکت تعاونی تولید با منابع محدود و حق عضویت اعضاء و توسعه فعالیت آن براین مبنای وجود ندارد. تعاونی های تولید، سه راه برای تأمین سرمایه دارند: اعضاء، دولت و انجام فعالیت های درآمد زا.

د) استقبال اندک از تعاونی‌های تولید

گرایش واستقبال مردم از تعاونی تولید با امکان دریافت پاداش (سود) از تعاونی در ارتباط است. هر چه تعاونی دارای جدیت و شفافیت بیشتری باشد، به همان میزان مردم نیز استقبال خوبی از آن خواهد داشت. علت استقبال اندک مردم از تعاونی‌ها، فقدان چشم انداز روش از سطح سود دریافتی می‌باشد. دوم، به دلیل غلبه عناصر خرد مالکی بر اقتصاد کشاورزی ایران و وفور مصادیق این شیوه در عرصه‌های تعاونی‌های تولید، هنوز تولیدکننده‌ها از کشاورزی، تلقی فعالیت کامل اقتصادی ندارند؛ بلکه گرایش آنها به کشاورزی با رفع نیازهای معیشتی همراه است. در چنین شرایطی امکان استقبال از تعاونی به عنوان یک تشكیل اقتصادی ضعیف است.

۷. پیشنهاد برای سیاستگذاری

تقویت و توانمند سازی تعاونی‌های تولید، تلاش برای تغییر گرایش زمین از خرد شدن به بزرگ شدن در قالبهای حقوقی از جمله انجمن‌ها، مؤسسات غیر دولتی و اتاق فکر، گسترش خودگردانی تعاونی‌های تولید، تشکیل با مطالعه زمینه‌یابی و امکان سنجی ساده، کمک به توسعه منابع درآمدی در تعاونی‌های تولید در چارچوب کشاورزی مدرن، افزایش دوره‌های آموزشی در ارتباط با ارکان و اعضای تعاونی تولید، توسعه واحدهای مکانیزاسیون به منظور ارائه خدمات فنی و مهندسی بهینه و مدرن به اعضای تحت پوشش، ایجاد انگیزه در میان اعضاء از طریق ابزارهای لازم و کارآیی بیشتر و رسیدن به درآمدهای بالاتر از طریق بهره‌گیری ناشی از صرفه‌های اقتصادی تولید، استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، گرایش به سمت تعاونی‌های مدرن و یکپارچه سازی اراضی از سیاست‌های مؤثر در بهبود ساختار حاکم بر تعاونی‌های تولیدی محسوب می‌شوند.

با توجه به نقش تعاونی‌های تولید در تغییر نگرش افراد از کشاورزی معیشتی به کشاورزی مدرن مبتنی بر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، فراهم سازی زمینه مشارکت اعضاء در امور تولیدی و اجتماعی، تخصیص اعتبار به فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و مشارکتی در تعاونی‌های تولید روسťایی، مشارکت روسťاییان در یکپارچه نمودن اراضی زراعی، توصیه می‌شود تعاونی‌های مذکور اهداف اساسی خود را بر اساس فضای جدید کسب و کار مد نظر قرار داده و توان خود را در جهت کشت یکپارچه اراضی و در قالب‌های مدرن به کارگرفته تا عملکرد و درآمد و به تبع آن رشد در بخش کشاورزی بهبود یابد.

منابع و مأخذ

- احمدی، م. ت. (۱۳۷۷) بررسی عوامل موثر بر عضویت کشاورزان در تعاونی تولید روستایی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- درویش نیا، ص. (۱۳۸۲) ترویج شرکت های تعاونی تولید روستایی در استان مازندران.
- سعدي، ح. (۱۳۸۷) بررسی چالشهای تعاونی تولید کشاورزی در کارآفرینی و ایجاد اشتغال؛ تهران: اولین همایش ملی تعاون و کارآفرینی.
- عمانی، ا. و چیذری، م. (۱۳۸۲) تاثیر عضویت در تعاونی های تولید روستایی بر سطح ویژگی های فنی، اقتصادی و اجتماعی گندم کاران استان خوزستان؛ مجموعه مقالات اولین همایش نظام های بهره برداری کشاورزی در ایران: چالش ها و چاره ها؛ تهران: دفتر مطالعات و طراحی نظامهای بهره برداری.
- قربانی، م؛ و محمدیان، ف. (۱۳۸۴) عوامل موثر بر مشارکت اعضاء در مدیریت تعاونی های روستایی استان مازندران: کاربرد الگوی تربیت؛ فصلنامه بانک کشاورزی، کلانتری، خ. (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی. انتشارات دانشگاه صنعتی شریف، تهران
- Arnott, Richard and Joseph E. Stiglitz (1988) 'The Basic Analytics of Moral Hazrad; Scandicawian Journal of Economic 90 (3),383-413.
- Axelord, R. (1984) The Evaluation of Corporation; New York: Basic Books
- Coas, R. (1960) The Problem of Social Cost; Journal of land Economics, Vol. 3, Oct, 1-44.
- Elhna, E. (2003) Rural Development Cooperation: Learning from Finland International Project and Programs; Helsinki: Hakapainooy.
- Kreanzle, C. (1989) Farmers Co-operative Members and Use Research Report; Washington D. C: USDA.
- Sen. , A. (1966) Labor Allocation in Cooperative Enterprise; Review of Economic Studies, xxx III (4) , No 96, October, 73-361.
- Taimini, K. (2000) Cooperative in ASIA; ILO, PP. 56.
- Rokholt, P. O. (1999) Strengths and Weakness of the Co- operative form: A Matter of Perspective Opinion. Paper Presented at the ICA International Research Conference, Quebec, and 28-29 August 1999.
- Ollila, P. (1994) Farmer's Cooperative as Market Coordinating Institutions; Annals of Public and Cooperative Economics, Vol. 65, No. 1, 81-102.